**امثال رایج عربی**

**نویسنده : تدین نژاد، زهرا**

مطالبی که از نظر شما عزیزان خواهد گذشت،کاری است از سرکار خانم زهرا تدین نژاد\*از استان همدان که به دفتر مجله‏ ارسال شده است.با توجه به جذابیت امثال در گفت‏وگوهای روزانه‏ وعلاقه‏ای که دانش‏آموزان به استفاده از امثال دارند،شایسته است‏ همکاران محترم در ضمن تدریس به این موضوع نیز اهتمام ورزند. امثالی که توسط همکار گرامی‏مان گردآوری شده،شامل امثال‏ رایج عربی است که هر یک در زبان فارسی نیز کاربرد زیاری دارند. ضمن آرزوی موفقیت برای ایشان امیدواریم،مطالب ارائه شده‏ مورد استفادهء خوانندگان و همکاران محترم قرار گیرد.

1.یوم لنا و یوم علینا:گهی پشت به زین و گهی زین به‏ پشت.

2.یصطاد فی الماء العکر:در آب گل آلود ماهی گرفتن.

3.الید الواحدة لاتصفّق:یک دست صدا ندارد.

4.هل یصلح العّطار ما أفسد الدهن:آب رفته به جوی باز نیاید.

5.هل تلد الحیّة الاّ الحیّة لاتلد الذئبة الاّ ذئبا:گرگ زاده‏ گرگ شود.

6.من قرع بابا ولجّ ولج:عاقبت جوینده یابنده بود.

7.من طلب شیئا وجدّ وجد:عاقبت جوینده یابنده بود.

8.من طلب العلی سهر اللّیالی:گنج خواهی در طلب رنجی ببر.

#### امثال رایج‏ عربی

9.من سار علی الدّرب وصل:از تو حرکت از خدا برکت.

10.من حفر بئرا لأخیه وقع فیها:چاه مکن بهر کسی،اول‏ خودت دوم کسی.

11.من أمن الزّمان خانه:دنیا وفا ندارد،دل به دنیا مبند.

12.المعیدی تسمع به خیر من أن تراه:آواز دهل شنیدن از دور خوش است.

13.بیضة الیوم خیر من دجاجة الغد:سرکه نقر به ز حلوای‏ نسیه است.

14.أنا الغریق فما خوفی من المطر:آب که از سر گذشت، چه یک وجب چه صد وجب.

15.لکلّ مقام مقام:هر سخن جایی و هر نکته مکانی‏ دارد.

16.لکلّ جدید لذّة:نو که آمد به بازار-کهنه شود دل آزار.

17.لایجمع سیفان فی غمد واحد:دو شمشیر در نیام‏ نگنجد.

18.الکلام یجرّ الکلام:حرف حرف می‏آورد.

19.لایؤخذ المرء بذنب أخیه:از بد و نیک کس،کسی را چه؟گناه دیگری را بر تو نخواهد نوشت.

20.لاتؤخّر عمل الیوم الی غد:کار امروز را به فردا میفکن.

21.کلّ شاة تناط بر جلیها:هر کس را در قبر خود گذارند.

22.کلّ رأس به صداع:هر سری دردی دارد.

23.کالمستجیر من الرّمضاء بالنّار:از چاله به چاه افتادن.

24.کلم اللّسان أنکی من کلم الّسنان:زخم زبان از زخم‏ شمشیر بدتر است.

25.کالشمس فی رابعة النّهار:مثل روز روشن است.

26.عصفور فی الید خیر من عشرة علی الشجرة:خولی به‏ کفم به ز درنا به هوا.

27.عثرة القدم أسلم من عثرة اللسان:زبان سرخ سر سبز می‏دهد بر باد.

28.العاقل تکفیه الاشارة:اگر عاقلی یک اشاره بس است.

29.الطّیور علی أشکالها تقع:کبوتر با کبوتر باز با باز- کند هم‏جنس با هم‏جنس پرواز.

30.الهوی من النّوی:دوری و دوستی.

31.اذا اتّجرت بالأکفان لایموت احد:بدبخت اگر مسجد آدینه بسازد-یا سقف فرود آید یا قبله کج آید.

32.الصبر مفتاح الفرج:گر صبر کنی ز غوره حلوا سازی.

33.زاد الطّین بلّة:خواست ابرویش را درست کند،زد چشمش را کور کرد.

34.السّکوت أخو الرّضا:سکوت علامت رضایت است.

35.خیر البرّ عاجله:در کار خیر حاجت هیچ استخاره‏ نیست.

36.حبّة حبّة تصبح قبّة:قطره قطره جمع گردد وانگهی دریا شود.و یا:اندک اندک به هم شود.بسیار دانه دانه است غله در انبار.

37.بلغ السّیل الزّبی:کاسهء صبرش لبریز شد.و یا:کارد به استخوانش رسید.

38.بعض الشی‏ء أفضل من لا شی‏ء:کاچی بهتر از هیچی.

39.أین الثری و أین الثریّا:تفاوت از زمین تا آسمان است. و یا:این کجا و آن کجا.

40.ایّاک أعنی و اسمعی یا جارة:به در می‏گویم که دیوار بشنود.

41.أکل الدّهر علیه و شرب:هفت کفن پوساند.

42.اسمع و لاتصدّق:بشنو و باور مکن.

43.ألا لیت الشباب یعود یوما فأخبرة بما فعل المشیب:

جوانی کجایی که یادت به خیر!

44.من نهشته الحیة حذر الرّسن الابلق:مار گزیده از ریسمان سیاه و سفید می‏ترسد.

45.

الی الماء یسعی من یغضّ بلقمة الی ما سعی من یغضّ بماء هر چه بگندد نمکش می‏زنند وای به دوزی که بگندد نمک

\*دبیر دینی عربی منطقهء قهاوند از استان همدان